

الو شرق — ۸۸۶۵۴۳۹۰

چه مخاطبان کم‌تحملی دارید؛ چرا برخی مخاطبان شما اینقدر کم‌تحمّل‌اند. یک نفر از مطلب یک منتقد درباره قهوه تلخ برآشفته بود که چرا از این سریال انتقاد شده است، چه اشکالی دارد که منتقدان ایرادات یک اثر هنری را بیان کنند، حالا حتی اگر این اثر کار مهران مدیری باشد.

یک مخاطب از تهران

طالبی‌نژاد بنشینند مختارنامه را نگاه کنند: سرسپم از آقای احمد طالبی‌نژاد به‌عنوان منتقد محبوب خودم این است که اینکه نوشته‌اند من تلوزیون نگاه نمی‌کنم برای کلاس گذاشتن جلوی مخاطبان روزنامه است یا ایشان دلیل دیگری برای قهر از تلوزیون دارند. از ایشان خواهشی می‌کنم بنشینند و سریال مختارنامه را ببینند و نقد منصفانه‌شان را درباره این سریال از خوانندگان شرق دریغ نکنند.

یک مخاطب

شرق روشنفکری است، صفحه اندیشه‌اش فلسفی: چرا قبول نمی‌کنید که بخواهید یا نخواهید روزنامه شما جزء روزنامه‌های روشنفکر تلقی می‌شود. چرا این موضوع را در نحوه انتخاب و چاپ مطالب لحاظ نمی‌کنید. مطالب صفحه اندیشه شما مثل درس پس دادن عدای دانشجوی فلسفه به اساتیدشان است که خوانندگان چیزی از آن سرزد نمی‌آورند.

یادداشت‌های عیدی دیگر جذاب نیستند: سرمقاله‌ها و یادداشت‌های آقای عباس عیدی متأسفانه دیگر آن جذابیت قبلی را ندارد چون بیشتر به معلول‌ها می‌پردازد تا به علت‌ها. ضمناً در مصاحبه بسیار عالمانه و به موقع آقای مهندس جنتی وزیر جهاد سازندگی دوران اصلاحات بيماری «مانند سبب‌زمینی» به اشتباه «هاتو سبب‌زمینی» چاپ شده بود. راستی اگر روزنامه اعتماد مجدداً منتشر شود آقایان مهران و غلامی‌دمست‌از‌سر‌شرق‌بر‌خوانده‌داشت.

به ماموران راهنمایی و رانندگی از جریمه‌ها درصدا پرداخت شود: برای کاهش ترافیک و برخورد با متخلفان بهتر است ماموران راهنمایی و رانندگی دو به دو در شهر حرکت کنند و متخلفان را یک‌به‌یک متوقف و درصدی از درآمد این جریمه‌ها به ماموران راهنمایی و رانندگی پرداخت شود. اگر خواستید پیام من را با نام‌های من درآوردی یک مخاطب و یک شهروند چاپ کنید اصلاً آن را چاپ نکنید.

احمد اخوان رضایت

وزیر بازرگانی پاس‌سنگو باشد: برای هدفمند کردن بارانه‌ها هنوز هیچ پولی به مردم نداده‌اند اما هر روز قیمت‌ها تحت تاثیر اجرای این طرح بالا می‌رود. خوب است وزیر محترم بازرگانی در یک برنامه تلوزیونی پاس‌سنگوی چرایی افزایش قیمت اقلام مصرفی و کالاهای اساسی باشد.

شهرودی از نوشهر

چگونه مسجد موقوفه سپهسالار مدرسه شد: در مورد نحوه تبدیل مسجد سپهسالار به مدرسه عالی شهید مطهری مطلب بنویسید. از آنجا که مسجد سپهسالار موقوفه میرزا حسین سپهسالار بوده است برای من از منظر تاریخی این تغییر و تحول جالب توجه است.

یک مخاطب

مواضع اخیر حسین انتظامی و افزایش آرای او: در نمایشگاه مطبوعات با نشریه‌ای به نام «هدایت ارتباطات» مواجه شدم که در آن مصاحبه‌ای با آقای «حسین انتظامی» انجام شده بود. ایشان در آن مصاحبه گفته بودند «امنیتی کردن همه چیز، خود عملی غیرامنیتی است» یا اینکه گفته بودند «بهرتر است به جای مجازات سنگین توقیف نشریات از راه‌های میانبروانه‌تری استفاده کرد». امروز در اخبار خواندم که ایشان به عنوان نماینده مدیران مسوول مطبوعات با ۲۸۰ رای انتخاب شدند که تقریباً دوپیرای آرای ایشان در دوره‌های قبلی بوده است. به نظر من مواضع اخیر ایشان در این افزایش رای بی‌تاثیر نبوده است.

یک مخاطب

آیا دانشجویان هنوز به تسخیر لانه اعتقاد دارند: با نزدیک شدن ۱۳ خرداد تسخیر سفارت امریکا که حساس‌ترین روز در تاریخ معاصر ایران بود و توسط دانشجویانی چون آقای عیدی و دیگران انجام شده، کسانی که شما صفحات زیادی از روزنامه‌تان را درخترایشان قرار می‌دهید، پیشنهاد می‌کنم مصاحبه‌ای داشته باشید با آنها که آیا حلال همان نظر را دارند و آیا اگر سفارت امریکایی وجود داشت باز هم همان کار را می‌کردند.

یک مخاطب

واقعیت شهرک‌های صنعتی بحرانی است: یک تولیدکننده هستم که در شهرک صنعتی خوزستان کار می‌کنم. متأسفانه مثل اینکه مسوولان دیگر اعتقادی به حمایت از صنعت ندارند. بایبید و شهرک‌های صنعتی را ببینید که تبدیل به یک خرابه شده است و از صد واحد صنعتی تنها یک واحد کار می‌کند که آن هم واحد تولیدکننده آرد است که برای نان مردم آرد تهیه می‌کند. نتیجه این همه ساختمان‌سازی و هزینه ساخت و خرید ماشین‌آلات چرا باید به این روز بيفتد. وزیر کار مدعی می‌شود ۵۷۰ هزار شغل در شش ماه گذشته ایجاد شده و وزیر صنایع از افزایش صادرات تولیدات صنایع صحبت می‌کند اما شما بایبید به شهرک‌های صنعتی چه واقعیتی در حال یاد دادن است. تولیدکننده می‌رود مسافر کشی می‌کند و کار دست دوم و سوم انجام می‌دهد؛ تولیدکننده‌ای که نزدیک به دو میلیارد سرمه‌پاش را به زمین بیچ کرده است.

یک تولیدکننده

ما که آدمیم شرق سوت و کور بود: ما که سعادت نداشتیم آقای میرفتح و ریی‌اکلام را زیارت کنیم. روزهای اول نمایشگاه که آدمیم غرفه روزنامه شما سوت و کور بود. من یک سال برای بازدید از غرفه شما روزشمار کرده بودم. از روزنامه خوبتان تشکر می‌کنم اما نمایشگاه خیلی ضعیف بود.

کارگری از تهران

مسوول غرفه شرق دوگانه رفتار کرد: روز یکشنبه به غرفه روزنامه شرق در نمایشگاه مطبوعات مراجعه کردم. آقای که مسوول غرفه بود و پیراهن صورتی هم به تن داشت، گفت روزنامه دارد تمام می‌شود و از دادن روزنامه به من خودداری کرد اما بعد از من دیگر مراجعه‌کنندگان روزنامه دریافت کردند. من از برخورد دوگانه مسوول غرفه تعجب کردم. البته در نهایت منن روزنامه را دریافت کردم اماشماررسیدی‌کنید.

یک مخاطب

نمایندگان مجلس به اندازه حقوق‌شان کار کنند: نمایندگان مجلس با حقوقی که از بیت‌المال می‌گیرند توقع می‌رود که به وظایف خود عمل کنند اما می‌بینیم که در یک جلسه ۱۰۰ نماینده غایب‌اند. تعطیلات بین فصل و تابستانی و زمستانی دارند و بعضاً در جلسات در حال خوابیدن هستند. چرا این نمایندگان با این همه عکس‌العمل که در جامعه و تلوزیون دیده می‌شود به خودشان نمی‌آیند و قدری به انجام مسوولیت‌هایشان فکر نمی‌کنند.

رضایی از تهران

زهرا مجردی همسر محسن میردامادی از تسخیرکنندگان سفارت امریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در پاسخ به پرسش‌های «شرق» روایت خود را از آن حادثه بیان می‌کند.

— **چه شد که وارد سفارت شدید و در زمره دانشجویان اشغال سفارت قرار گرفتید؟**

من شخصاً در آن روزها دانش آموز بودم و دانشجو نبودم اما دوستان نزدیکم اکثراً دانشجو بودند. یکی از این دوستان خویم همسر آقای عیدی بود که دانشجوی علوم اجتماعی بود و ما با هم خیلی صمیمی بودیم که البته اکنون در قید حیات نیستند.حدود یک هفته یا ۱۰ روز بعد از اشغال سفارت امریکا ایشان گفتند برای کارهایی در بخش زنان در سفارت امریکا یک یا دو نفر را احتیاج دارند که به ایشان مطمئن باشند. به این ترتیب من و یکی از دوستان دیگر که او نیز دانشجو بود وارد سفارت شدیم. آن موقع داخل سفارت ساختمان‌های مجزایی بود که هر ساختمانی مقر یک دانشگاه شده بود و قسمت آقایان و خانم‌ها از هم جدا بود. من به قسمت دختران پلی‌تکنیک پیوستم. آن زمان این جمع یک جمع صمیمی از دختران پلی‌تکنیک بود؛ اما چون فضای داخل سفارت بزرگ و ساختمان‌ها متعدد بود و هر دانشگاه در ساختمان مخصوص خود مستقر بود شاید اکنون خیلی از بچه‌هایی که آن موقع در سفارت بودند همدیگر را نشناختند. هفته‌ای دو سه بار ممکن بود به خانه برویم و سری بزنیم. کارهای داخل سفارت هم تقسیم شده بود، دوتا گروه خانم هم آنجا بودند که نگهداری و کارهای آنها هم بر عهده خانم‌ها بود.

— **چه شد که این جمع تصمیم به اشغال سفارت گرفت؟**

نخستین بار موضوع اشغال سفارت در بین نمایندگان انجمن اسلامی یعنی آقای میردامادی از پلی‌تکنیک، آقای اصغرزاده از دانشگاه صنعتی شریف و آقای بیطرف از دانشگاه تهران مطرح می‌شود و پیشنهاد اول هم از طرف آقای اصغرزاده بوده است. این سفرم مدت‌ها صحت می‌کنند و سپس در جمع بزرگ‌تری مطرح می‌شود و بالاخره تصمیم به انجام این کار می‌گیرند.

— **چرا ۱۳ آبان را انتخاب می‌کنند؟**

در حمله سال ۵۷ عده‌ای دانش‌آموز در این روز کشته می‌شوند. آقای میردامادی می‌گفتند مدت‌ها طول کشید و صحبت کردند تا در نهایت توانستند آن روز را برای این کار انتخاب کنند. او همچنین تعریف می‌کرد که آن موقع اتوبوس‌های دو طبقه در خیابان طالقانی حرکت می‌کردند و از آنجا که بچه‌ها نقشه نقشه داخل سفارت را ندانستند، سوار این اتوبوس‌های دو طبقه می‌شدند و مدت‌ها از اول خیابان طالقانی را تا آخر می‌فتند تا از طبقه دوم اتوبوس بتوانند داخل سفارت را ببینند و نقشه را تا حدودی بفهمند. به گفته همین دوستان چون به این جمع اطمینان کامل وجود داشته و این دوستان عضو برنامه‌های جمعی دیگر مثل کوهنوردی دانشگاه بودند و در انجمن اسلامی فعالیت می‌کردند، به همین دلیل تا این موضوع را مطرح می‌کنند همه می‌پذیرند. البته در ذهن آقای میردامادی و دوستان‌شان مدت این اتفاق حداکثر دو روز بود و حتی می‌گفتند ما کتاب‌ها و جزوه‌های دانشگاه را هم برداشتیم تا بعد از ظهر در کلاس‌های خود شرکت کنیم یعنی فکر می‌کردند اعتراضی می‌کنند و این حداکثر دو یا سه روز طول می‌کشد.

— **شما در سفارت دقیقاً چه کار می‌کردید؟**

ما مقر خانم‌ها کارهای مختلفی انجام می‌دادیم. مهم‌ترین کار نگهداری از گروه‌گاه بود که کار مهمی بود چون حتماً شنیداید که یکی دوپار گروه‌گان‌ها می‌خواستندفرار کنند. حتی یک بار یکی از آنها از طبقه سوم ملحقه‌هایش را به هم گره زده بود و از طبقه سوم وارد محوطه شده بود. به هر حال حفاظت از جان اینها مهم بود و حتی محله طویس بچه‌ها مجبور شدند گروه‌گان‌ها را به شهرستان ببرند تا آسیبی نبینند. مهم‌ترین کار ما در مقر سفارت همین نگهداری و گاهی هم نگهدایی محوطه بود و یکسری اسناد که باید ترجمه می‌شد و من گاهی کمک می‌کردم. کلاس‌های متعددی هم برای بچه‌ها داخل حمله کلاس اخلاق و انگلیسی آقای شیخ علی تهرانی، نهج‌البلاغه توسط آقای حجاریان، تفسیر قرآن توسط آقای موسوی‌خوینئی‌ها و کلاس دیگری نیز که عنوان آن بادم نیست توسط آقای شرعتمداری به سر مسوول فعلی کیهان تشکیل می‌شد.

— **مدیران سفارت اسلحه هم دست می‌گرفتید و آموزش تیراندازی هم دیده بودید؟**

برای بچه‌های داخل سفارت آموزش یک‌هفته‌ای در چیترگر گذاشتند که دخترها هم رفتند و کار با اسلحه را یاد گرفتند. البته حفاظت بیرون سفارت بر عهده سپاه بود اما داخل سفارت حفاظت بر عهده ما بود و حتی بچه‌ها اسم شب هم داشتند. به خصوص وضعیت بعد از فرار آن گروه‌گان خیلی حساس شد. ماچرا به این ترتیب بود که وقتی یکی از دانشجویان دختر نگهبان شش بود یکی از گروه‌گان‌ها فرار می‌کند که او اسم شب را می‌پرسد و فرد گروه‌گان نمی‌تواند جواب بدهد، او مشکوک می‌شود و تیراندازی می‌کند. خوشبختانه به علت آنکه دانشجوی دختر عینک ته استکانی می‌زد و عینکش به زمین افتاده بود، تیر ایشان به خطا می‌رود و گروه‌گان آسیبی نمی‌بینند.

— **خانواده شما مشکلی نداشتند که شما در سفارت بودید؟**

به جمعی که بین‌شان بودیم اطمینان داشتند و بعضی‌ها را نیز می‌شناختند. گاهی اوقات هم برایمان از خانه غذا می‌آوردند چون غذای آنجا خیلی بد بود.

میدان پهلرستان

مزاح لاریجانی و باهنر بر سر بن بازنستکی نمایندگان

در خلال مذاکرات دیروز مجلس محترض باهنر نمایندگی مجلس را از مشاغل سخت خواند که با پاسخ مزاح‌گونه لاریجانی مواجه شد.به گزارش خبرآنلاین نمایندگان مشغول بررسی سن بازنستکی در طول برنامه پنجم بودند که باهنر به تفاوت سن بازنستکی در مشاغل مختلف اشاره کرد.گفت‌وگوین موضوعه کشور می‌گوید سن بازنستکی ۳۰ سال است اما دولت ممکن است بگوید نمایندگی مجلس جزء مشاغل زیان‌آور است و باید ۲۰ساله‌بازنستشه شوند.سخنان وی که به‌اینچاسر رسید، لاریجانی باخنده گفت:البته‌نمایندگی مجلس جزء مشاغل سخت نیست. باهنر هم باخنده جواب داد:اتفاقاً‌نمایندگی مجلس جزء مشاغل خیلی سخت و زیان‌آور است.

گفت‌وگو با زهرا مجردی همسر محسن میردامادی از تسخیرکنندگان سفارت امریکا

سقوط دولت موقت ربطی به اشغال سفارت نداشت

ریحانه طباطبایی



— **خودتان آشپزی نمی‌کردید؟**
نه گاز نداشتیم. فقط صبحانه را در داخل اتاق‌ها می‌خوردیم. از سوی سپاه برای ما غذا می‌آوردند که به صورت سلف سرویس بود. از آنجا غذا می‌گرفتیم و در محوطه هم می‌زهایی بود که غذا می‌خوردیم.

— **شما همان‌جا با آقای میردامادی آشنا شدید؟**

نه. در طول آن یک سال من اصلاً آقای میردامادی را در سفارت ندیدم. ایشان در مقر خودشان با دوستان دیگر کارهای اصلی سفارت را انجام می‌دادند و کمتر در محوطه دیده می‌شدند. اینها در شورا فعالیت می‌کردند و در خانه‌های کوچکی که وسط سفارت بود ساکن بودند. من حتی یکبار هم آقای میردامادی را در داخل سفارت ندیده بودم و از طریق همسر آقای عیدی با ایشان آشنا شدم و حتی چند بار در خانه آقای عیدی با هم صحبت کردیم.

— **اما بالاخره جرفه‌اش را سفارت زد.**

ولی نمی‌دانم باید از آقای عیدی ببرسم که جرقه در سفارت خورد یا نه؟ چون من و آقای میردامادی در سفارت همدیگر را ندیدیم اما این پیشنهادها از طرف دوستان مشترک در آن فضا معمول بود چون به هر حال شناختی وجود داشت و ما خودمان هم بعداًشبهه این پیشنهادها را به کسان دیگری دادیم. به طور مثال در مورد خانم ابتکار ما یکی از دوستان‌مان را مطرح کردم.

یکی از مسائل مطرح‌شده، ازدواج‌های سفارتی است. پس این ازدواج‌ها، ازدواج‌هایی نبود که الزاماً به خاطر رابطه چهره به چهره در سفارت ایجاد شده باشد؟

نه الزاماً. شاید هم بعضی‌ها بودند اما اکثر افراد را بچه‌ها معرفی می‌کردند

چون آنجافضای ارتباط و همنشینی در این حوضه نداشت. بیشترین نقش، نقش معرفی بود.

— **برگردیم به جریان گروگانگیری.**

هیچ وقت فکر نکردید که گروگان‌ها باید آزاد بشوند؟ یا فکر نکردید که نباید وارد کاری

که آقایان شروع کردند می‌شدید و کاش به سفارت نرفته بودید؟

چرا، به آزادی گروه‌گان‌ها همیشه فکر می‌کردم و احساس می‌کردم قضیه نباید آنقدر طولانی می‌شد. ما باید شرایط زمانی آن روزها را خوب تحلیل کنیم. من جوانی بودم که از ۱۴، ۱۳ سالگی توجه به مسائل سیاسی پیدا کرده بودم. علت این توجه هم یک سالی بود که در مدرسه رفاه تحصیل کردم. دوم راهنمایی بودم که با مدرسه رفاه که بنیانگذاران آن شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر بودند آشنا شدم. مدرسه رفاه پایگاهی برای مبارزه بود. در سال ۵۲ هم آقای رجایی با گروه‌هایی که مبارزه مسلحانه می‌کردند ارتباط داشتند. حتی خانم رجایی تعریف می‌کردند که یکبار اسلحه آقای رجایی را در لباس خودشان پنهان کردند تا ساواک پیدا نکند. یعنی سالی غالب مدرسه رفاه این‌گونه بود که در کنار درس با این مسائل آشنا می‌شدیم. به طور مثال کتاب‌هایی که می‌خواندیم رمان‌های انقلابی ممنوعه بود مانند کتاب خرمنکس که دست به دست می‌شد. محیط مدرسه رفاه هم انقلابی بود و بعضی از معلم‌های مدرسه‌مان هم اعدام شدند. می‌خواهم بگویم جوی که ما اهلان من در آن رشد کردیم جو انقلابی و ضدحکومت شاه و دیکتاتوری بود. اگر فضای آن روزها را تحلیل کنید، می‌بینید جوی که در آن حضور داشتیم خاص بود و اکثر هم از خانواده‌های نسبتاً مرفه و مذهبی بودند که مسائل معنوی و توجه به عدالت اجتماعی آنان را به سوسی مبارزه کشانده بود. حتی سمت و سوی جدی‌ها و قرآن و تفسیری که می‌رفتیم با نگاه به مبارزه با طاغوت و آیات مربوط به آن بود که این جلسات پایگاه مهمی برای هم‌اندیشی بچه‌های مسلمان بود. از طرفی به دلیل دخالت امریکا در سال ۴۲ و کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی دکتر مصدق و جنگ ویتنام و سیاست‌های هرچانه امریکا در اقصی‌نقاط دنیا بین تمامی روشنفکران و حتی گاهی در جوامع هنری خود امریکا هم کاملاً جو ضدامریکایی حاکم

میراث

از ذکر نام کشور امریکا خودداری کنید

نماینده مردم پاوله در مجلس به ذکر نام امریکا از تریبون مجلس اظهار داد. به گزارش خبر آنلاین، سیف‌فتح‌الله حسینی در جلسه علنی چهارشنبه با بیان اینکه امریکا همواره تلاش کرده تمامیت ارضی ما را به خطر اندازد، از همکاری‌اش خواست از برن‌نام امریکا در صحن علنی مجلس خودداری کنند.وی افزود: چون صدای ما نمایندگان پخش می‌شود، بهتر است نام دشمن شماره یک خود را به عنوان شاخص یا توریوم، هنگام این کار، حسینی، نمایندگان مجلس با شعار مرگ بر امریکا سخنان وی را تأیید کردند.

نمایندگان، مجلس را تعطیل کردند

نمایندگان مجلس که در روز شنبه هفته جاری کار بررسی لایحه برنامه پنجم را آغاز کردند جلسه امروز را برای حضور در

پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۹

عدلیه

اگر شکایت شود

رسیدگی می‌کنیم

رئیس دیوان عدالت اداری گفت: اگر شکایتی در مورد انحلال دانشگاه علوم پزشکی ایران مطرح شود آن را بررسی خواهیم کرد.

محمدجعفر منطری در گفت‌وگو با ایسنا تصریح کرد: به هر حال این انحلال بر اساس یک تصمیم دولتی صورت گرفته و در صورتی که شکایتی مطرح شود، دیوان عدالت اداری وظیفه دارد به آن رسیدگی کند.

وی افزود: در صورت طرح شکایت، بررسی می‌کنیم که آیا قوانین و مقررات در اخذ این تصمیم رعایت شده است یا خیر.

رئیس دیوان عدالت اداری، همچنین در مورد ابطال موادی از شیوه‌نامه ساماندهی خدمات حقوقی در دستگاه‌های اجرایی اظهار کرد: هنوز منت این رای برای ابلاغ آماده نشده است. منطری در مورد حذف حق فنی داروخانه‌ها بر اساس رای دیوان عدالت اداری نیز گفت: این تصمیم خرداد ماه سال گذشته از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اخذ شد که اشکالی بر آن وارد کردند اما نهایتاً با طرح مجدد موضوع، هیات عمومی بر نظر سابق خود اصرار کرد.

تأیید حکم شش سال حبس برای نظام‌حسین‌پور

دادگاه تجدیدنظر استان تهران، حکم شش سال حبس تعزیری برای نظام‌حسین‌پور از بازداشت‌شدگان واقع پس از انتخابات را تأیید کرد. پیش از این، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب وی را به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی و مقاومت در برابر ماموران دولت» به شش سال حبس تعزیری محکوم کرده بود. وی پنج ماه پیش بازداشت شد.

آخرین وضعیت سعید نورمحمدی

سعید نورمحمدی فعال سیاسی در زندان اوین و در بند ۲۵۰ به سر می‌برد.

این فعال سیاسی اولین‌بار ۲۵ خرداد سال گذشته بازداشت و پس از ۶۲ روز آزاد شد. وی برای دومین‌بار ۳۰ مهر سال گذشته بازداشت شد. دادگاه انقلاب وی را به پنج سال حبس که یک سال آن تعزیری است و چهار سال محرومیت از فعالیت سیاسی محکوم کرد. نورمحمدی، دهم مهرماه برای تحمل پنج ماه حبس خود به زندان اوین مراجعه کرد و از آن تاریخ در زندان است.

۲۴ آبان‌ماه برگزاری دادگاه ستوده

دادگاه نسرين ستوده بیست‌وچهارم آبان‌ماه برگزار می‌شود.

رضا خندان، همسر نسرين ستوده در گفت‌وگو با شرق با اعلام این خبر گفت: طی چند روز گذشته وکلای نسرين ستوده برای خولدن پرونده وی به دادگاه مراجعه کرده‌اند و به آنها از سوی دادگاه ابلاغ شده که قرار است ۲۴ آبان ماه دادگاه نسرين ستوده در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی پیرعباسی برگزار شود.

نسرين ستوده وکیل دادگستری روز ۱۳ شهریورماه بازداشت شد. وی با سه اتهام اقدام علیه امنیت ملی، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت و همکاری با کانون مدافعان حقوق بشر قرار است روز بیست و چهارم همین ماه محاکمه شود.

۱۶ آبان دو نشریه در دادگاه

شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، یکشنبه هفته آینده پرونده‌های خبرگزاری «موج» و سایت «سحرنبوز» را رسیدگی می‌کند.

به گزارش ایسنا، در ادامه رسیدگی به پرونده‌های مطبوعاتی در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، شعبه مذکور شانزدهم آبان ماه را برای رسیدگی به پرونده‌های خبرگزاری «موج» و سایت «سحرنبوز» تعیین کرده است.

پرونده خبرگزاری «موج» با شکایت مدعی‌العموم و شاکی خصوصی به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی تشکیل شده و پرونده سایت «سحر نبوز» به شکایت مدعی‌العموم به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

نامه محمد شریف

به رئیس جدید زندان اوین

شرق: محمد شریف وکیل هدی صابر طی نامه‌ای به ریاست جدید زندان اوین خواستار رسیدگی به وضعیت موکلس شد. وی در این نامه به دو بار بازداشت قبلی هدی صابر در سال‌های ۷۹ و ۸۲ اشاره کرده و در رابطه با پرونده اول گفته هنوز دادنامه قطعی به وی ابلاغ نشده است و در رابطه با پرونده دوم نیز صابر مدت حبس‌اش را گذرانده است.

شریف در این نامه به مرخصی صابر در جریان تحمل کیفر (در سال‌های ۸۴-۸۲) اشاره کرده و گفته است محکومیت (قبلی) وی نیز در مرخصی خاتمه یافته است.

وکیل هدی صابر در پایان این نامه خطاب به ریاست زندان اوین آورده است: «از آن پس پرونده جدیدی برای صابر مفتوح نشده و محکومیت دیگری به وی تعلق نگرفته است. لذا تقاضا دارد موجب قانونی بازداشت فعلی موکل را اعلام فرمایند.»

هدی صابر برای سومین بار در سالیان اخیر، در تاریخ ۸۹/۵/۲ بازداشت شده و تاکنون در زندان اوین به سر می‌برد.